جهان در سالی که گذشت

اسرائیل یک قدم تا فروپاشی
جنگ در اروپا و بحران اقتصادی و اجتماعی در آمریکا

جهان در سال ۱۴۰۱نیز مثل سال‌های قبل جهان پرتلاطمی بود. در آمریکا این کشور طی سال گذشته از منظر اقتصادی با تورم و رکود دست به‌گریبان بود و در روزهای پایانی سال نیز هشدارها نسبت به فروپاشی اقتصادی این کشور بیشتر شده است. در حوزه اجتماعی نیز آمریکا همچنان با افزایش خیره‌کننده کشتارهای مسلحانه، تروریسم داخلی و قطب‌بندی شدید سیاسی و اجتماعی رو به رو بود. در غرب آسیا نیز سال ۲۰۲۲ سال شکست‌های پی‌درپی رژیم صهیونیستی از محور مقاومت از درون مرزهای فلسطین اشغالی گرفته تا لبنان و سوریه بود. در چارچوب خود دولت صهیونیستی نیز بحران سیاسی، امنیتی و هویتی این رژیم به شدت تشدید شد به طوری که گزارش‌ها نشان می‌دهد موج مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی تشدید شده است.جام جهانی اخیر قطر نیز نشان داد که پروژه صلح اعراب و اسرائیل سرابی بیش نبوده و امت اسلامی یک‌دل و یک صدا همچنان با قوت و قدرت به آرمان ملت مظلوم فلسطین وفادار است. در عراق نیز پس از مدت‌ها تنش بین احزاب سیاسی دولت این کشور تشکیل شد و به لحاظ سیاسی و اقتصادی عراق به ثبات و آرامش رسید. در اروپا هم جنگ اوکراین رویداد بسیار مهم و بزرگی بود که بسیاری از مناسبات و روندهای جهانی را تحت تاثیر خود قرار داد. تشدید تنش بین قدرت‌های بزرگ، تسریع در فروپاشی نظم لیبرال غربی، بروز قحطی جهانی، بروز بحران انرژی، بروز بحران در اقتصادهای غربی به‌ویژه اقتصاد اروپا، روندهایی بود که پس از جنگ اوکراین اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به شدت از خود متاثر ساخت.

هفت رویداد بزرگ سال ۱۴۰۱ در فلسطین

سازمان ملل متحد سال ۲۰۲۲ را که به طور عمده همزمان با سال ۱۴۰۱ خورشیدی بود، مرگبارترین سال برای فلسطینیان در کرانه باختری در ۱۶ سال گذشته توصیف کرده است. درگیری، یورش و شهادت یکی از معتبرترین روزنامه نگاران فلسطینی در کرانه باختری اشغالی تنها برخی از مهم‌ترین رویدادهایی است که سال ۱۴۰۱ را برای فلسطینی‌ها رقم زد. به طور کلی هفت روند مهم سال ۱۴۰۱ را در موارد ذیل می‌توان دید:

شهادت معروف‌ترین خبرنگار فلسطین

در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، نیروهای صهیونیستی

روزنامه‌نگار کهنه کار الجزیره با نام شیرین ابوعاقله را در حالی که مشغول پوشش خبری حمله نظامی صهیونیست‌ها به اردوگاه آوارگان جنین بود، به ضرب گلوله به شهادت رساندند. ابوعاقله خبرنگار فلسطینی ۵۱ ساله الجزیره عربی، بیش از ۲۵ سال بود که اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط صهیونیست‌ها را پوشش خبری می‌داد. شهادت او منجر به اعتراضات بین‌المللی شد و موجی از ابراز انزجار را در سراسر جهان برانگیخت. تشییع جنازه این خبرنگار فلسطینی طی سه روز برگزار شد و پیکر او از جنین به بیت المقدس منتقل شد و گروه‌های بسیاری جایگاه او را تجلیل کردند. در بیت المقدس شرقی، نیروهای صهیونیست به عزادارانی که تابوت او را حمل می‌کردند، حمله کردند و با وجود ممانعت صهیونیست‌ها، هزاران فلسطینی برای تشییع جنازه ابوعاقله خیابان‌های بیت المقدس را پر کردند. تحقیقات متعددی، ارتش رژیم صهیونیستی را مسئول قتل او دانستند، با این حال، مقامات صهیونیستی از آغاز تحقیقات جنایی در این زمینه خودداری کردند.

یورش و قتل عام روزانه

از همان ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۱، رژیم اسرائیل یک عملیات نظامی به نام «موج شکن» را علیه فلسطینی‌ها به راه‌انداخت که شامل حملات تقریباً روزانه، دستگیری‌های جمعی و کشتار در کرانه باختری با تمرکز بر جنین و نابلس بود. این حملات منجر به شهادت بسیاری از شهروندان در جریان حملات شد. براساس آمار وزارت بهداشت فلسطین، در سال ۱۴۰۱ حداقل ۱۷۰ فلسطینی در کرانه باختری رود اردن و قدس شرقی به شهادت رسیدند که بیش از ۳۰ نفر از شهدا کودک بودند. در این سال همچنین حداقل ۹ هزار فلسطینی دیگر نیز زخمی شده‌اند. چند مورد از این حملات باعث خشم فلسطینی‌ها شد، از جمله در حمله ۲۰ شهریور، یک نوجوان ۱۶ ساله در جنین در حالی که روی پشت‌بام خانه اش ایستاده بود و مشغول تماشای یورش ارتش صهیونیستی بود، به ضرب گلوله به شهادت رسید و همزمان یک شهروندن فلسطینی ۲۳ ساله دیگر نیز در پیاده‌رو به ضرب گلوله به شهادت رسید. فلسطینی‌ها حملات ۲۰ شهریور را قتل عام توصیف کردند.

درگیری در غزه

تابستان ۱۴۰۱ شاهد جنگی تمام عیار از سوی ارتش رژیم صهیونیستی علیه گروه‌های مقاومت در نوار غزه بود. این سرزمین محاصره شده از ۱۴ مرداد به مدت سه روز مورد حمله جنگنده‌های رژیم صهیونیستی قرار گرفت که بر اثر این بمباران‌ها دست کم ۴۹ فلسطینی از جمله ۱۷ کودک به شهادت رسیدند. جنگ پس از ترور فرمانده برجسته گردان‌های قدس، تیسیر الجعبری توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد و پس از آن جهاد اسلامی فلسطین با حملات موشکی پی‌درپی علیه شهرها و شهرک‌های صهیونیست نشین به اقدام تروریستی صهیونیست‌ها علیه الجعبری پاسخ داد و جنگ سه روزه آغاز شد. روزنامه صهیونیستی‌هاآرتص در این زمینه گزارش داد، همان‌طور که دیدیم جهاد اسلامی تنها طی چند روز درگیری توانست موشک‌های خود را به شهرک‌های اسرائیلی برساند. وبگاه عبری «والاه» هم گزارش داد که جهاد اسلامی در سه روز گذشته ۱۱۰۰ راکت به سمت اهداف اسرائیلی شلیک کرد که در نتیجه آن ۶۰ نفر زخمی شدند. خبرنگار الجزیره نیز اعلام کرد که تمامی ۵۸ شهرک صهیونیست‌نشین مجاور غزه زیر باران حملات موشکی و راکتی مقاومت قرار دارد. قابل توجه است که طی این سه روز صهیونیست‌ها که به دنبال نابودی جهاد اسلامی و «سرایا القدس» شاخه نظامی این جنبش بودند متوجه شدند که ادامه تنش‌ها می‌تواند پیامدهای فاجعه‌باری داشته باشد و در نهایت با میانجیگری مصر، آتش‌بس با قبول کامل شروط جنبش جهاد اسلامی مورد موافقت تل‌آویو قرار گرفت.

افزایش مقاومت مسلحانه فلسطین

یکی از تغییرات اصلی در کرانه باختری در سال ۱۴۰۱، رشد گروه‌های مقاومت مسلحانه کوچک بود که در شهرهای شمالی جنین و نابلس متمرکز شدند. این پدیده از سال ۱۴۰۰ با تشکیل اولین گروه با نام گردان‌های جنین، در اردوگاه آوارگان جنین پس از شهادت «جمیل العموری» توسط صهیونیست‌ها آغاز شد، اما در سال ۱۴۰۱ گسترش قابل توجهی یافت. ایجاد گردان نابلس، عرین الاسود، گردان بالاتا و گردان‌های طوباس نشان دهنده توسعه مقاومت مسلحانه فلسطینی‌ها در سال ۱۴۰۱ بود. گروه‌های مسلح جدید فلسطینی به طور عمده از همسویی با حزب یا جنبش‌های سیاسی خودداری می‌کنند و به طور مستقل به عملیات علیه اشغالگری پرداختند. طی یک سال گذشته در نابلس و جنین که سال‌هاست نقاط داغ و حساس مبارزه بوده‌اند، نسل جدید مبارزان مسلح طرفداران پرشماری را به خیابان‌ها و در رسانه‌های اجتماعی جمع کردند. آنان در جریان حملات با نیروهای ارتش رژیم اسرائیل می‌جنگند و به سوی سربازان صهیونیستی درایست‌های بازرسی تیراندازی کردند. صرف تمرکز این گروه‌ها بر مبارزه مسلحانه با رژیم اسرائیل آنان را برای جوانان فلسطینی که ایمان خود را به روندهای سیاسی از دست داده‌اند، بسیار جذاب است.

ظهور راست افراطی و انفجار تل‌آویو

در اواخر پائیز ۱۴۰۱، پنجمین انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی در کمتر از چهار سال گذشته برگزار شد و نتایج آن منجر به ایجاد راست افراطی‌ترین کابینه در تاریخ ۷۴ ساله رژیم صهیونیستی شد. بنیامین نتانیاهو رهبر حزب لیکود با احزاب مذهبی صهیونیستی و فراارتدوکس ائتلاف کرد و اکثریت ۶۴ را در کنست(پارلمان رژیم صهیونیستی) با ۱۲۰ عضو را به دست آورد. ایتمار بن گویر و بزالل اسموتریچ دو شخصیت جنجالی کابینه نتانیاهو متهم به تحریک خشونت علیه فلسطینیان هستند و علناً قصد خود را برای گسترش شهرک سازی غیرقانونی در کرانه باختری اعلام کرده‌اند. در بهمن ماه ۱۴۰۱، اسموتریچ گفت که فلسطینی‌ها «به اشتباه این‌جا هستند – زیرا بن گوریون کار را تمام نکرده است.» این اظهارنظر اسموتریچ باعث محکومیت جهانی علیه او شد. در همین حال، بن گویر که قبلاً خواستار اخراج شهروندان فلسطینی از مناطق اشغالی ۱۹۴۸ شده بود، شهرک‌نشینان را به حمله مسلحانه به فلسطینی‌ها دعوت کرد و مرتباً از ارتش به دلیل عدم اقدامات شدیدتر علیه فلسطینیان انتقاد کرد.

افزایش حملات شهرک نشینان

در سال ۱۴۰۱ حملات شهرک نشینان صهیونیستی علیه

فلسطینیان در کرانه باختری افزایش یافت و سال ۱۴۰۱ سال گستاخی بیشتر شهرک نشینان کرانه باختری بود. دست کم ۴ فلسطینی در سال ۱۴۰۱ توسط شهرک نشینان مسلح به شهادت رسیدند و این حملات در حالی صورت گرفت که نیروهای نظامی صهیونیست نظاره گر آن بودند و مانع این حملات تروریستی نشدند. سازمان ملل در آذرماه ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای تأیید کرد: «شواهد نگران‌کننده از تسهیل، حمایت و مشارکت مکرر نیروهای ارتش در حملات شهرک‌نشینان وجود دارد.» این بیانیه ادامه داد: شهرک نشینان مسلح و نقابدار به فلسطینی‌ها در خانه‌هایشان حمله می‌کنند، به کودکان در راه مدرسه حمله می‌کنند، اموال را تخریب می‌کنند و باغ‌های زیتون را به آتش می‌کشند.» بین ۶۰۰ تا ۷۵۰ هزار شهرک نشین صهیونیستی در حداقل ۲۵۰ شهرک اشغالی پراکنده در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی زندگی می‌کنند.

انفجار اجتماعی و سیاسی تل‌آویو

سه ماه پایانی سال ۱۴۰۱ سال انفجار اعتراضات علیه کابینه راست افراطی نتانیاهو بود. در این سه ماه، هر هفته در شامگاه‌های شنبه صدها هزار نفر به خیابان‌ها آمدند و سرنگونی کابینه نتانیاهو را فریاد زدند. در اعتراضات شنبه هفته جاری در دهمین هفته اعتراضی، حداقل نیم میلیون نفر به خیابان‌های تل‌آویو و دیگر شهرها آمدند و رکورد اعتراضات در رژیم صهیونیستی را شکستند.این آمار را خبرگزاری فرنسه هم تأیید کرد. هیاهوی تغییرات قوانین قضایی توسط نتانیاهو، رژیم اسرائیل را در یکی از بدترین بحران‌های داخلی خود فرو برده است. فراتر از تظاهراتی که ده‌ها هزار صهیونیست را به خیابان‌ها کشاند و اخیراً خشونت‌آمیز شده است، مخالفت‌ها در سراسر جامعه افزایش یافته و رهبران تجاری و مقامات حقوقی علیه آنچه کودتا و سقوط دموکراسی می خوانند، هشدار می‌دهند. برخی همچنین می‌گویند نتانیاهو، که به اتهام فساد در حال محاکمه است، از طریق اصلاحات قضایی، به‌دنبال راه فراری از اتهامات خود است. یائیر لاپید، نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی که در همه اعتراضات ده هفته گذشته حضور داشته، برنامه‌های نتانیاهو را بزرگ‌ترین بحران وجودی تل آویو توصیف کرده و رئیس رژیم صهیونیستی در سه ماه گذشته حداقل دو بار نسبت به فروپاشی کامل داخلی تل آویو هشدار داده است.

جنگ اوکراین یک‌ساله شد؛ همه چیز تابستان مشخص می‌شود

بامداد ۲۴ فوریه (پنج شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۰) به وقت مسکو، پوتین فرمان حمله سراسری را به اوکراین صادر کرد. در مورد ریشه‌های این جنگ و دلایل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن طی یک سالی که از آن می‌گذرد تحلیل‌های متفاوتی صورت گرفته است. شاید بتوان انقلاب رنگی ۲۰۱۴ اوکراین را نقطه عطفی در بحران کنونی اوکراین دانست. با به قدرت رسیدن غربگراها در اوکراین تلاش این کشور برای پیوستن به ناتو برای تضمین امنیت خود نیز وارد مرحله تازه‌ای شد. مسئله‌ای که به گفته کارشناسان به یکی از دلایل اصلی جنگ کنونی تبدیل شد. نظریه پردازان برجسته رئالیسم در آمریکا مثل «مرشایمر» و «استفان والت» همان زمان هشدار دادند که ادامه تحریک اوکراین برای عضویت در ناتو با واکنش شدید پوتین مواجه خواهد شد. «جان مرشایمر» نظریه پرداز برجسته رئالیسم تهاجمی ۸ سال پیش با پیش‌بینی این روزها نوشت: « چرا بحران اوکراین حاصل خطای غرب است. توهمات لیبرالی جهان غرب موجب تحریک پوتین شد. غرب می‌بایست بی‌طرفی اوکراین را حفظ می‌کرد و آن کشور را به عنوان منطقه‌ای حائل بین خود با روسیه به رسمیت می‌شناخت و امکان می‌داد اوکراینی‌ها ضمن انتخاب خود، توان مصالحه و سازش با روسیه را حفظ کنند.اما جهان غرب به آنها القاء می‌کرد که شما سرانجام در ما ادغام خواهید شد و روس‌ها سرانجام شکست خواهند خورد.... ما با این القائات، آنها را به سوی عدم مصالحه با روسیه و اتخاذ سیاست‌های تند راندیم و سرانجام موجب تحریک روسیه شدیم.» مرشایمر رفتار غرب در اوکراین را به آن تشبیه می‌کند که اگر چین در کنار سرمایه‌گذاری در کانادا، به تحریک این کشور به تقابل با آمریکا روی آورد؛ آمریکا چگونه برخورد خواهد کرد؟«استفان والت» نیز در سال ۲۰۱۵ با ادبیات دیگری با هشداری مشابه به نقد سیاست‌های اوباما در اوکراین پرداخت و پیش‌بینی کرد:« تلاش برای ورود اوکراین به مجموعه غرب، به ناچار با واکنش شدید مسکو مواجه خواهد شد. سرنوشت اوکراین برای روسیه بیشتر از آمریکا اهمیت دارد و ولادیمیر پوتین نشان داده است که آمادگی دارد تا آسیب بزرگی به اوکراین وارد کند تا مانع همسویی آن با غرب شود».

اروپا بازنده بزرگ جنگ اوکراین

گزارش‌های منتشر شده طی یک سال گذشته نشان می‌دهد که اقتصاد جهان به شدت متاثر از جنگ اوکراین بوده است. اما در این میان کشورهای اروپایی به دلیل وابستگی شدید در حوزه انرژی به روسیه بیشتر از سایر کشورها از جنگ اوکراین متضرر شده‌اند. تحریم‌های گسترده‌ای که اروپا در کنار آمریکا در حوزه نفت و گاز روسیه طی این مدت اعمال کرد نه تنها به توقف ماشین جنگی روسیه منجر نشد بلکه با افزایش قیمت حامل‌های انرژی موجب شد که کشورهای اروپایی خود بیشتر از روسیه از این تحریم‌ها صدمه ببینند. کاهش رشد اقتصادی، افزایش شدید تورم به طوری که طی ۴۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است، بحران انرژی، افزایش چند برابری قبوض برق و گاز، ورشکستگی ده‌ها هزار شرکت، بروز اعتصاب‌ها و تظاهرات گسترده تنها بخشی از نتایج اقتصادی جنگ اوکراین برای اروپا بوده است. طی یک سال گذشته بر اساس گزارش‌ها کشورهای اروپایی بیش از یک تریلیون دلار از بابت بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین متحمل خسارت شده‌اند همزمان گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت‌های اروپایی اروپا بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار نیز به شرکت‌های خود به خاطر بحران کنونی اقتصاد یارانه انرژی پرداخت کرده‌اند.

تابستان تعیین‌کننده

با طولانی شدن جنگ اوکراین و خیز اروپا و آمریکا برای ارسال تسلیحات پیشرفته از توپ وتانک گرفته تا موشک و احتمالاً جنگنده نگرانی‌ها درباره تشدید جنگ و خروج کنترل آن از سوی دو طرف بیشتر شده است. طی هفته‌های گذشته بسیاری از کارشناسان و برخی

از مقامات سیاسی اروپایی مثل نخست‌وزیر مجارستان نسبت به خطر جنگ جهانی سوم با توجه به رویکرد غربی‌ها در جنگ اوکراین هشدار داده‌اند. با این وجود کارشناسان نسبت به نحوه پایان این جنگ و طرف پیروز آن اختلاف نظر دارند.

بر اساس برخی برآوردها روسیه در حال مهیا شدن برای یک حمله بزرگ است تا سرنوشت جنگ را یکسره کند. به گفته تحلیلگران مؤسسه مطالعات جنگ آمریکا، رهبری نظامی روسیه حداقل از ماه اکتبر(مهر) در حال برنامه‌ریزی یک حمله بزرگ به شمال اوکراین بوده است که مقصد آن احتمالاً کیف، پایتخت این کشور است. گمانه‌زنی‌ها از یک حمله برنامه‌ریزی شده از بلاروس تا سناریوی بسیار محتمل‌تر از حمله به منطقه شمال غربی لوهانسک متغیر است.تحلیلگران وزارت دفاع آلمان نیز در این راستا انتظار دو سناریو را دارند حملات موشکی و پهپادی به زیرساخت‌های حیاتی، بخش مرکزی استراتژی در هر دو سناریو است. سناریوی اول این است که پوتین می‌خواهد کل دونباس را فتح کند. بر این اساس در ماه‌آوریل(فروردین) روسیه می‌خواهد حمله را آغاز کند. همزمان، الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس، ده‌ها هزار سرباز را در مرز اوکراین مستقر خواهد کرد. در نتیجه، نیروهای مسلح اوکراین باید از هم جدا شوند و دیگر نمی‌توانند با تمام ظرفیت از دونباس دفاع کنند. سناریوی دوم این است که پوتین می‌خواهد تمام اوکراین را در یک جنگ دو جبهه‌ای- با کمک سربازان بلاروس- فتح کند. در این حمله در حالی که نیروهای روسی از دونباس حمله می‌کنند و به سمت کی یف حرکت می‌کنند سربازان روسی دیگر تا مرز لهستان پیش می‌روند تا از تحویل تسلیحات از غرب جلوگیری کنند و ترانس نیستریا، منطقه جدا شده از مولداوی را اشغال کنند.

پیش‌بینی‌ها در چین و آمریکا نیز نشان می‌دهد که چند ماه آینده برای جنگ چین حیاتی خواهد بود. مسئولان آمریکایی مثل رئیس‌سیا بر این باور هستند که همه چیز تابستان آینده مشخص خواهد شد. «ویلیام برنز» در کمیته اطلاعاتی منتخب دائمی مجلس نمایندگان آمریکا گفته است: «در چارچوب یک ارزیابی اطلاعاتی، چند ماه آتی چهار تا پنج یا شش ماه آینده برای وضعیت میدان نبرد در اوکراین حیاتی خواهد بود. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه آماده مذاکرات صلح نیست و چشم‌انداز مذاکرات جدی میان مسکو و کیف به پیشرفت در میدان جنگ بستگی دارد.» این مقام ارشد اطلاعاتی آمریکا با بیان این اینکه به نظر نمی‌رسد، روسیه برای مذاکره درباره جنگ اوکراین جدی باشد، گفته: «پوتین معتقد است فرسودگی سیاسی غرب را فرا خواهد گرفت.» کارشناسان نظامی چین نیز بر این باور هستند که جنگ اوکراین تابستان سال آینده و با برتری روسیه به پایان خواهد رسید.اندیشکده آکادمی نظامی پکن بر این باور است که «این درگیری حدوداً تابستان با دست برتر روسیه پایان می‌یابد زیرا در بین دلایل مختلف، اقتصاد هر دو طرف روس و اوکراینی بسیار تهی‌تر از آن خواهد بود که بعد از تابستان درگیری‌ها بتواند ادامه پیدا کند.»

آمریکا در محاصره بحران اقتصادی، خشونت مسلحانه و تروریسم داخلی

سیدمحمد امین‌آبادی

سال ۱۴۰۱ نیز آمریکا در صحنه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و همچنین سیاست خارجی گرفتار بحران‌های عدیده‌ای بود. در سطح اقتصادی بسیاری از کارشناسان و مقامات اقتصادی این کشور نسبت به تشدید رکود اقتصادی در این کشور هشدار دادند. طی یک سال گذشته بحران اقتصادی، رکود، تورم، سقوط سهام‌های بورسی از جمله عبارت‌های پرتکرار در رسانه‌های تصویری و مکتوب آمریکا بود. البته هشدارها نیز در این میان چندان هم بی‌مورد نبود چرا که همین روزهای پایانی سال به دنبال ورشکستگی بانک معروف «سیلکون ولی» نشریه معتبر وال استریت ژورنال در گزارشی از وحشت به‌وجود آمده در میان بنگاه‌های اقتصادی در سایه ورشکستگی بانکی مهم در این کشور نوشت و پیش‌بینی کرده این اتفاق آغاز مرحله شکست اقتصادی در این کشور است. همزمان با اعلام خطر ورشکستگی سیلکون ولی، نشریه آمریکایی «فورچون» نیزبا انتشار گزارشی از دستپاچگی وزارت خزانه‌داری آمریکا نوشت و تاکید کرد: «ژانت یلن» وزیر خزانه‌داری آمریکا از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا خواسته است تا سقف بدهی فدرال را بدون قید و شرط افزایش دهند، چون عمل نکردن به تعهد دولت در پرداخت بدهی‌ها باعث «فروپاشی اقتصادی و مالی در آمریکا» خواهد شد. اقتصاددانان آمریکایی نیز هشدار می‌دهند که در سال جاری میلادی اقتصاد این کشور به تعبیر آنها با یک توفان بزرگ آسیب خواهد دید، آنها سیاست‌های اشتباه پولی و مالی و تصمیم اشتباه بایدن در بودجه این کشور را دخیل می‌دانند.

خشونت مسلحانه

در حوزه اجتماعی نیز سالی که روزهای پایانی آن را طی می‌کنیم طبق معمول برای مردم آمریکا سال بسیار خشونت‌باری بود. آزادی حمل اسلحه و گسترش خشونت‌های مسلحانه در شهرهای مختلف این کشور طی سال گذشته تبدیل به یک بحران جدی برای دولت «جو بایدن» شد. به طوری که وی در یک سخنرانی رسماً اعتراف کرد که این وضعیت آرامش را از ملت آمریکا سلب کرده است. بایدن شهریورماه گذشته در یک سخنرانی در دانشگاه «ویلکس» در ایالت «پنسیلوانیا» با اشاره به این مسئله گفت: «بسیاری از خانواده‌ها آرامش ندارند. اخبار را نگاه می‌کنند و می‌بینند که تقریباً هر شب کودکان در مدارس و در خیابان‌ها به ضرب گلوله کشته می‌شوند. ما در کشوری که غرق در سلاح‌های جنگی است زندگی می‌کنیم؛ سلاح‌هایی که برای شکار ساخته نشده‌اند بلکه برای کشتن دشمن طراحی شده‌اند. به خاطر خدا بگویید منطق وجود این همه سلاح در خارج از منطقه جنگی چیست؟»

بر اساس گزارش‌ها، کودکان آمریکایی از قربانیان اصلی تشدید خشونت‌های مسلحانه در این کشور هستند. پایگاه «آرشیو خشونت مسلحانه اسلحه» در آمریکا طی گزارشی در همین زمینه اعلام کرده است: «در سال ۲۰۲۲ میلادی ۶ هزار و ۲۳ کودک در رده سنی ۱۷ سال و کمتر در اثر تیراندازی کشته یا زخمی شده‌اند. این درحالی است که آمار قربانیان کودک تیراندازی‌ها در آمریکا در سال ۲۰۲۱ حدود ۵ هزار و ۷۰۸ مورد بود.» بر اساس گزارش این پایگاه در سال ۲۰۲۲ بیشترین تعداد کودکان کشته یا مجروح در اثر تیراندازی به ثبت رسیده است. به گفته این پایگاه اینترنتی، حداقل ۳۰۶ کودک ۱۱ ساله یا کمتر در سال ۲۰۲۲ بر اثر تیراندازی کشته شده‌اند. همچنین یک هزار و ۳۲۳ کودک دیگر در رده سنی ۱۲ تا ۱۷ سال در تیراندازی جان خود را از دست دادند.» براساس یک مطالعه، میزان مرگ و میر ناشی از استفاده از سلاح گرم در آمریکا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۱ به میزان ۴۵.۵ درصد افزایش یافته است. افزایش خشونت‌های مسلحانه در آمریکا در حالی است که اختلاف نظرهای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در مورد مسئله کنترل اسلحه در آمریکا به یکی از موانع اصلی ناتوانی دولت بایدن برای مهار این بحران تبدیل شده است.

کارشناسان دلایل متعددی را برای افزایش خشونت‌های مسلحانه در جامعه آمریکا ذکر می‌کنند. افزایش شدید شکاف دو قطبی در آمریکا، رشد قارچ‌گونه گروه‌های فاشیست و راست افراطی که برتری نژاد سفید را تبلیغ می‌کنند، رشد حملات نژادپرستانه و ترس رنگین‌پوستان از هدف قرار گرفتن توسط سفید برتر پندارها و افزایش شکاف اجتماعی، موجب شده مردم آمریکا تمایل گسترده‌ای به خرید سلاح داشته باشند. در نتیجه با افزایش اسلحه در دست مردم خشونت‌های مسلحانه و تیراندازی‌های منجر به قتل نیز در آمریکا افزایش پیدا کرده است.

تروریسم داخلی

افزایش خشونت‌های مسلحانه در جامعه آمریکا طی یک سال گذشته با رشد نگرانی‌ها از خطر تروریسم داخلی در این کشور همراه بوده است. در آمریکا منظور از «تروریسم داخلی» گروه‌های نژادپرست و راست افراطی هستند که طی سال‌های اخیر و به خصوص بعد از به قدرت رسیدن ترامپ رشد قارچ گونه‌ای در فضای سیاسی و اجتماعی آمریکا داشتند براساس گزارش‌ها، تعداد پرونده‌های باز مربوط به «تروریسم داخلی» در آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ بیش از سه برابر (۳۵۷ درصد) افزایش یافته است. دفتر پاسخگویی دولت آمریکا در این خصوص از پلیس اف‌بی‌آی و وزارت امنیت داخلی این کشور درخواست کرده است تا راهکارهایی برای مقابله با خطر تروریسم داخلی ارائه دهد. بر اساس گزارش این دفتر تعداد این پرونده‌ها از رقم ۱۹۸۱ در سال ۲۰۱۳ به رقم ۹۰۴۹ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. اگرچه تعداد پرونده‌های باز مربوط به «تروریسم داخلی» در سه سال اول این بازه ۲۳ درصد کاهش داشت اما بین سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۱ بیش از ۴۹۰ درصد با روند افزایشی روبه‌رو بوده است. همچنین علاوه‌بر این آمار، تعداد «توطئه‌های تروریستی ادعایی» نیز تقریبا سه برابر شده و از ۸۱ مورد در سال ۲۰۱۴ به ۴۵۶ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. گزارش دفتر تحلیل وزارت امنیت داخلی آمریکا، تنها به ۲۳۱ حادثه تروریستی داخلی بین سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۱ اشاره کرده است که ۳۵ درصد از آنها با انگیزه «نژادپرستی» و ۳۲ درصد آن ناشی از «انگیزه‌های ضددولتی» بوده‌اند.

کارشناسان بر این باورند که فضای سیاسی- اجتماعی آمریکا طی سال‌های اخیر به شدت دو قطبی شده و در نتیجه جامعه این کشور به سمت خشونت و افراط گرایی بیشتر پیش می‌رود. تشدید افراط‌گرایی در جامعه آمریکا به قدری جدی است که به گفته «الخاندرو مایورکاس» وزیر امنیت داخلی این کشور «به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای مرتبط با تروریسم برای آمریکا تبدیل شده است». وی پیش از این نیز گفته بود: «ما به میزان زیادی بر افراط‌گرایی خشن داخلی متمرکز شده ایم. این بزرگ‌ترین تهدید و تهدید مرتبط با تروریسم است که ما در آمریکا با آن روبه رو هستیم»«بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا نیز «تروریسم داخلی» را «مرگبارترین تهدید» برای آمریکا می‌داند. بایدن در این باره گفته است: «نه داعش و نه القاعده بلکه افراد قائل به برتری نژاد سفیدپوست مرگبارترین تهدید برای آمریکا هستند.»

طی ۲۰ سال گذشته آمریکا برای مقابله با تروریسم خارجی بیش از ۸ تریلیون هزینه کرد و صدها هزار نفر را در منطقه غرب آسیا به خاک و خون کشید. آمریکا در مبارزه با تروریسم در عرصه بین‌المللی به شدت ناکام بود. نگاه گزینشی به تروریسم یکی از دلایل اصلی این شکست و ناکامی بود. دولت این کشور حالا باید با تروریست‌ها در عرصه داخلی مبارزه کند. خطری که آمریکا زمانی نه چندان دور در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خود به دنبال حذف آن بود حالا باید در درون شهرهای آمریکا با آن مقابله کند.

عراقی که آرامش نسبی را تجربه می‌کند

امین‌الاسلام تهرانی

سال ۱۴۰۱ خورشیدی که مصادف با ۲۰۲۲ و چند ماهی از ۲۰۲۳ میلادی بود، برای عراق سال پراتفاقی بود. برای آنان که این روزهای عراق را می‌بینند که آرامشی نسبی را تجربه می‌کند شاید جمله پیشین کمی عجیب باشد. اما باید توجه کرد که این روزها برای عراق روزهایی است که در پی ناآرامی‌های شدید حاصل شده است. شرایط سیاسی عراق از اکتبر سال ۲۰۲۱ میلادی (مهر ۱۴۰۰) و پس از برگزاری انتخابات پارلمانی متشنج شد و با گذشت یک سال بی‌نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور ماند.

در همین سال بود که «مقتدی صدر»، رهبر جریان صدر، به دنبال اعلام کناره‌گیری آیت‌الله «سید کاظم حائری» از مرجعیت و نصیحت‌هایی که به جریان صدر و جریان او کرد بیانیه‌ای منتشر کرد که «دشمن شاد کن» بود و غائله‌ای خونین در عراق برپا کرد. غائله‌ای که آب در آسیاب آمریکا و متحدانش ریخت و حتی به درگیری شبه‌نظامیان وابسته به صدر با نیروهای امنیتی آن هم با سلاح‌های سنگین انجامید.

آیت‌الله سیدکاظم حائری اعلام کرد که به دلیل کهولت سن از مرجعیت کنار می‌رود و مقلدانش را به اطاعت از رهبر انقلاب، آیت‌الله «سید علی خامنه‌ای» تشویق کرد. در پی انتشار این خبر، مقتدی صدر اعلام کرد که از سیاست کناره‌گیری می‌کند؛ هوادارانش به منطقه سبز بغداد هجوم برده و کاخ ریاست‌جمهوری و کاخ نخست‌وزیری عراق را تصرف کردند و جریان خونینی در عراق آغاز شد که شرح آن در جای خود آمده است. آن نصیحت‌ها و واکنش خام صدر که بیشتر از هر چیز مطابق میل آمریکا و رژیم صهیونیستی بود غائله‌ای برپا کرد. طرفداران صدر بغداد، بصره و... را به آشوب کشیدند و کاخ ریاست جمهوری را اشغال کردند و... حتی رسانه‌های عراقی خبر دادند اعضای شاخه نظامی جریان صدر، با نیروهای امنیتی در مناطق مختلف عراق درگیر شدند. اعضای گروه «سرایا السلام» شاخه نظامی جریان صدر، به مرکز فرماندهی پلیس بصره حمله کردند. همچنین برخی از منابع مدعی شدند که ۴ ساعت پس از عقب‌نشینی نیروهای سرایا السلام از سامرا و آمدن به بغداد جهت آشوب آفرینی، هسته‌های گروه تروریستی داعش به تعدادی از مناطق در ۳ کیلومتری سامرا تسلط یافتند. این درگیری‌ها در کمتر از ۲۴ ساعت تلفات قابل توجهی گرفت. شمار کشته‌شدگان درگیری‌ها در منطقه سبز به ۳۰ نفر افزایش یافت و ۷۰۰ نفر نیز مجروح شدند که از این تعداد ۱۱۰ نفر از نیروهای امنیتی عراق بودند.

یک روز بعد، پس از یک سکوت ۲۴ ساعته، مقتدی صدر مجدداً در تلویزیون حاضر شد و به هوادارانش یک ساعت فرصت داد تا منطقه سبز را تخلیه کنند. جالب است که همان موقع حدود ۲۰ مقام دولتی عراق که با خبرگزاری «رویترز» گفت‌وگو کردند و همگی آیت‌الله سیستانی را عامل پایان ناآرامی‌ها دانستند. گرچه این مرجع شیعیان به صورت علنی در این باره حرفی نزد و بیانیه‌ای منتشر نکرد، اما به گفته این مقامات، افرادی از دفتر آیت‌الله سیستانی به صدر تفهیم کردند که اگر خشونت‌ها تمام نشود، آیت‌الله سیستانی این ناآرامی‌ها را محکوم خواهد کرد. پیامی به صدر فرستاده شد که اگر خشونت‌ها را تمام نکند، آیت‌الله سیستانی مجبور می‌شود بیانیه‌ای در محکومیت این خشونت‌ها صادر کرده و خواستار توقف آنها شود. به نظر می‌رسد، صدر می‌دانست که اگر این اتفاق بیفتد، او ضعیف به‌نظر رسیده و مسئول خون‌های ریخته شده در این ناآرامی‌ها شناخته خواهد شد.

اما در مقام تحلیل هنوز پرسش‌های جدی در مورد این غائله مطرح است که بی‌پاسخ مانده است. برای مثال، سید مقتدی صدر رهبر جریان صدر عراق